

نویسنده: نورمان سولومون «Norman Solomon».

منبع و تاریخ نشر: کمان دریم «2026-07-06».

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».



کارل مارکس در گفتگویی که نویسنده تصور کرده است، می‌گوید: «خوشحالم که بگویم من یک «مارکسیست» نیستم، با توجه به اینکه چقدر یاوه‌گویی‌های احمقا نه توسط برخی که خود را مارکسیست می‌نامند، ساخته و پرداخته شده است) «تصویر: تولید شده توسط هوش مصنوعی»

گفتگوی من با کارل مارکس درباره دونالد ترامپ

My Conversation With Karl Marx About Donald Trump

مبارزه بین طبقات ممکن است مفهومی منسوخ به نظر برسد، اما با این وجود عامل اصلی است که تاریخ، گذشته، حال و آینده را تقویت می‌کند.

The struggle between classes might seem an antiquated concept, but nonetheless it is the main factor that undergirds history, past, present and future.

مصاحبه‌ی ساختگی زیر برای وضوح و طولانی بودن ویرایش شده است

نورمن سولومون: شما اهمیت فرد را در تاریخ کم‌اهمیت جلوه داده‌اید. اما ایالات متحده اکنون فردی را به عنوان رئیس جمهور دارد که روابط قدرت و چشم‌انداز سیاسی را متحول کرده است



ترامپ دیوانه، کمونیست‌های مترقی آمریکایی را «حیواناتی» خطاب می‌کند که «کلیساهایتان را خواهند بست» و «مردمتان را خواهند کشت



ترامپ در سخنرانی شب استقلال، نسبت به کمونیسم هشدار داد و سپس حکومت تک حزبی را ترویج کرد

کارل مارکس: می‌توانم به شما اطمینان دهم که او این کار را به تنهایی انجام نداده است. روابط قدرت، روابط طبقاتی هستند. و ضمناً، من هرگز نگفتم که افراد به تاریخ بی‌ربط هستند. من افراد را به مشارکت در تغییر تاریخ تشویق کردم.

نورمان سولمن: رئیس جمهور ترامپ دستاوردهای صد سال گذشته و بیشتر را از بین برده است. همچنین، به عبارت ملایم، او از نظر ذهنی ناپایدار است

کارل مارکس: اصول اولیه هنوز پابرجاست. همانطور که در سال ۱۸۶۹ در مورد وضعیتی در فرانسه نوشتم که در آن یک فرقه پیرامون یک مستبد وجود داشت، مبارزه طبقاتی "شرایط و روابطی را ایجاد کرد که به یک فرد معمولی و مضحک امکان داد تا نقش یک قهرمان را بازی کند."

نورمان سولمن: اما اکنون یک فرد بسیار خطرناک و آشفته کنترل دولت ایالات متحده را به دست گرفته است. و او با اکثریت آرای طبقه کارگر به آنجا رسیده است. داشتن یک روان‌پزش واقعی به عنوان رئیس جمهور، شوک بزرگی بوده است.

کارل مارکس: کسانی که شما آنها را لیبرال می‌نامید، دوست دارند چنین گل‌های مسمومی را از ریشه‌های تاریخی خود جدا کنند. ویکتور هوگو هم مثل بسیاری از مفسران زمان شما، بی‌وقفه این مستبد نفرت‌انگیز را مسخره می‌کرد. هوگو پس از کودتا، در طعنه‌های تلخ و شوخ طبعانه علیه لویی ناپلئون بنایارت سرآمد بود. همانطور که اشاره کردم، «خود این رویداد در آثار او مانند صاعقه ظاهر می‌شود. او در آن فقط عمل خشونت‌آمیز یک فرد را می‌بیند. او متوجه نمی‌شود که با نسبت دادن قدرت ابتکار شخصی بی‌نظیر در تاریخ جهان به این فرد، او را بزرگ جلوه می‌دهد، نه کوچک.»

نورمان سولمن: در واقع، به نظر می‌رسد ترامپ به طرز دیوانه‌واری از قدرت مخرب به شیوه‌های بی‌نظیر در تاریخ جهان استفاده می‌کند.

کارل مارکس: اما او این قدرت را از طریق اراده خود به دست نیاورده است. اگر روی یک شخصیت فردی تمرکز کنید، طرح تاریخی را از دست داده‌اید.

نورمان سولمن: یک جامعه‌شناس، دیلن رایلی، اخیراً اظهار داشت: «از منظر مارکسیستی، بخش زیادی از نقد چپ-لیبرال از سیاست معاصر آمریکا را می‌توان اساساً خرده‌بورژوازی دانست. این نقد بحول استدلال‌های اخلاقی می‌چرخد که از فرصت‌های برابر و شکاف و تضاد اجتماعی کمتر حمایت می‌کنند.» و او افزود: «من فکر می‌کنم نکته اصلی مارکس در این مورد تأکید بر اهمیت مبارزه طبقاتی به عنوان مکانیسمی است که از طریق آن هرگونه سازش طبقاتی در واقع تحمیل می‌شود. و اگر این نکته را از دست بدهید، سیاست شما از همان ابتدا غیرفعال می‌شود.»

کارل مارکس: اولاً، خوشحالم که بگویم من «مارکسیست» نیستم، با توجه به اینکه چقدر مزخرفات احمقانه توسط برخی که خود را اینگونه می‌نامند، یاوه‌گویی شده است. می‌توانید آن را جستجو کنید، «Ce qu'il y a de certain, c'est que moi, je ne suis pas Marxiste». اما گذشته از این - بله، مطمئناً، هیچ راهی برای صحبت منطقی در مورد اولویت مبارزه طبقاتی وجود ندارد. این عبارت ممکن است برای گوش‌های خرده بورژوا در آمریکای قرن بیست و یکم بیش از حد بحث‌برانگیز به نظر برسد، اما این قدرتمندترین موتور محرک تاریخ است. می‌توانید آن را انکار کنید یا از آن طفره بروید، اما واقعاً نمی‌توانید از آن اجتناب کنید.

نورمان سولمن: ترامپ یک سرمایه دار خودشیفته‌ی حریص است، اما او همچنین آشکارا نژادپرست و زن ستیز است.

کارل مارکس: البته، سرمایه‌داری برای سرکوب و تفرقه انداختن بین طبقه‌ی کارگر عمل می‌کند. سیستم‌های نژاد پرستی به معنای سود بیشتر برای عده‌ی کمی است. به همین ترتیب، زنان مورد استثمار قرار می‌گیرند و برای کارشان دستمزد کمتری دریافت می‌کنند. من در این مورد به طور مفصل نوشتم

نورمان سولمن: واقعیت وحشتناک همچنان پابرجاست که ما اکنون تحت ستم یک رئیس جمهور به شدت ارتجاعی و شرور هستیم که مشتاق تبدیل شدن به یک مستبد نامحدود است. واونفرت ویژه‌ی نسبت به زنان و رنگین‌پوستان دارد که تأثیرات اجتماعی وحشتناکی دارد.

کارل مارکس: مبارزه طبقاتی نتوانسته است به راه‌حل‌های لازم برای شرایط وحشتناک انسانی منجر شود و برخی از قربانیان خاص در طبقه کارگر وجود دارند. در این مورد، می‌توانیم حرف آخر را به رفیقم فریدریش انگلس بسپاریم که در سال (۱۸۹۰) نوشت: «عنصر تعیین‌کننده نهایی در تاریخ، تولید و بازتولید زندگی واقعی است. غیر از این نه مارکس و نه من هرگز ادعایی نکرده‌ایم. بنابراین اگر کسی این را به گونه‌ای تحریف کند که بگوید عنصر اقتصادی تنها عنصر تعیین‌کننده است، آن گزاره را به عبارتی بی‌معنی، انتزاعی و بی‌معنی تبدیل کرده است. وضعیت اقتصادی اساس است، اما عناصر مختلف روبنا - اشکال سیاسی مبارزه طبقاتی و نتایج آن، به عبارت دیگر: قوانین اساسی که توسط طبقه پیروز پس از یک نبرد موفق ایجاد شده است و غیره، اشکال حقوقی و حتی بازتاب‌های همه این مبارزات واقعی در مغز شرکت‌کنندگان، نظریه‌های سیاسی، حقوقی، فلسفی، دیدگاه‌های مذهبی و توسعه بیشتر آنها به سیستم‌های جزئی - نیز بر مسیر مبارزات تاریخی تأثیر می‌گذارند و در بسیاری از موارد در تعیین شکل آنها نقش عمده‌ای دارند.»

نورمان سولمن: بنابراین، شما و انگلس موافق بودید که نیروهای مختلف زیادی تاریخ را شکل می‌دهند، اما یک فرد می‌تواند در مقاطع خاصی همه تفاوت‌ها را ایجاد کند؟

کارل مارکس: فرد نکته خود را اینگونه بیشتر توضیح داد: " ما خودمان تاریخ خود را می‌سازیم، اما در وهله اول، تحت فرضیات و شرایط بسیار مشخصی. در میان این نیروها، نیروهای اقتصادی در نهایت تعیین‌کننده هستند. اما نیروهای سیاسی و غیره، و در واقع حتی سنت‌هایی که ذهن انسان‌ها را تسخیر می‌کنند نیز نقشی دارند، اگرچه نه نقش تعیین‌کننده." و او ادامه داد: "نیروهای متقاطع بی‌شماری وجود دارند، مجموعه‌ای نامتناهی از متوازی‌الاضلاع‌های نیروها که منجر به یک نتیجه می‌شوند - رویداد تاریخی."

نورمان سولمن: خب، در حال حاضر، رویداد تاریخی که همچنان اتفاق می‌افتد، اغلب به نظر می‌رسد که به نوعی تحت سلطه دونالد ترامپ است.

کارل مارکس : حتی اگر اینطور به نظر برسد، محرک اصلی یک رویداد جاری اغلب می‌تواند در حالی که به عنوان توهم نوری آشکار می‌شود، آشکار به نظر برسد. همانطور که در سال ۱۸۴۳ اشاره کردم، "درخواست کنار گذاشتن توهمات در مورد وضعیت آن، درخواست کنار گذاشتن وضعیتی است که به توهم نیاز دارد." هرگز فراموش نکنید که تعداد کمی در تجمّل و رفاه و صف‌ناپذیری زندگی می‌کنند در حالی که میلیاردها نفر در فقر و فلاکت زندگی می‌کنند و میلیاردها نفر دیگر به سختی می‌توانند مایحتاج ضروری زندگی را تهیه کنند. مبارزه بین طبقات ممکن است مفهومی منسوخ به نظر برسد، اما با این وجود عامل اصلی است که تاریخ، گذشته، حال و آینده را تقویت می‌کند.

نورمان سولمن: برخی از مردم شکایت دارند که شما همیشه همین را می‌گویید.

کارل مارکس: به این دلیل است که همیشه درست است.

..... **با تقدیم احترامات «2026-07-08»**

.....